

متن پرسش

با سلام و احترام: رهبری در جمع دانشجویان و جوانان خراسان شمالی فرمودند: رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است: هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یکسبک زندگی به ما پیشنهاد میشود. یک نقطه‌ی اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدف را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخشها امکان‌پذیر نیست؛ کار درست انجام نمیگیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، میتواند لیبرالیسم باشد، میتواند کاپیتالیسم باشد، میتواند کمونیسم باشد، میتواند فاشیسم باشد، میتواند هم توحید ناب باشد؛ بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله‌ی ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد. در اینجا یک مغالطه وجود دارد، که من برای شما جوانها عرض بکنم: چند تا فیلسوف‌نمای غربی عنوان «ایدئولوژی زدائی» را مطرح کردند. می‌بینید گاهی در بعضی از این مقالات روشنفکری، عنوان «ایدئولوژی زدائی» مطرح میشود: آقا جامعه را با ایدئولوژی نمیشود اداره کرد. چند تا فیلسوف یا فیلسوف‌نمای غربی این را گفته‌اند؛ یک عده‌ای هم اینجا طوطی‌وار، بدون اینکه عمق این حرف را درک کنند، بدون اینکه ابعاد این حرف را بفهمند چیست، همان را تکرار کردند، باز هم تکرار میکنند. هیچ ملتی که داعیه‌ی تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمیتواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب نمیتواند تمدن‌سازی کند. همین‌هایی که امروز شما ملاحظه میکنید در دنیا تمدن مادی را به وجود آورده‌اند، اینها با ایدئولوژی‌وار شدند؛ صریح هم گفتند؛ گفتند ما کمونیستیم، گفتند ما کاپیتالیستیم، گفتند ما بهاقتصاد سرمایه‌داری اعتقاد داریم؛ مطرح کردند، به آن اعتقاد ورزیدند، دنبالش کار کردند؛ البته زحماتی هم متحمل شدند، هزینه‌ای هم بر دوش آنها گذاشته شد. بدون داشتن مکتب، بدون داشتن یک فکر و یک ایمان، و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌ها، تمدن‌سازی امکان ندارد. حال سوال ما این است. ۱- قلمرو دین در زندگی چگونه است؟ ۲- طرح ایدئولوژی زدایی بر اساس چه اهدافی انجام گردید؟ ۳- آیا بدون داشتن یک ایدئولوژی می‌توان به سبک زندگی معتقد بود؟ ۴- هدف: سبک زندگی اسلامی از یک چارچوبی تبعیت می‌کند که آن ایدئولوژی اسلامی است

باسمه تعالی: سلام علیکم: در رابطه با سوالی که به عهده‌ی این‌جانب گذاشته شده باید عرض کنم: قلمرو دین در زندگی در آن حدّ است که دین باید همه‌ی ابعاد انسان را فرا بگیرد زیرا خالق انسان با آگاهی از همه‌ی ابعاد انسانی، دین را توسط رسولان برای انسان فرستاده و دین هم در همه‌ی ابعاد انسان اظهار نظر کرده. طرح ایدئولوژی‌زدائی با این هدف صورت می‌گیرد که نقش دین را از حالت کاربردی در امور اجتماعی و تربیتی و اقتصادی خارج کند، در حالی که اگر بپذیریم ایدئولوژی یعنی تعلقی که باید به یک فکر داشت، انسان باید به دین خدا تعلق ایدئولوژیک داشته باشد و از طریق دین تعلقات خود را مدیریت کند و آن‌هایی که جوّسازی می‌کنند که نباید به دین خدا جنبه‌ی ایدئولوژیک داد می‌خواهند ما نسبت به مکتب خود بی‌تفاوت باشیم تا تفکر حاکم یعنی مدرنیته به بسط خود در همه‌ی امور بشر ادامه دهند. و در همین رابطه است که شما ملاحظه می‌کنید مسلمانان گرفتار سبک‌های زندگی غربی هستند. در حالی که اگر با نگاه ایدئولوژیک به دین نظر شود و متوجه باشیم باید دین خدا مبنای هرگونه عمل ما در زندگی ما باشد، سبک زندگی در ذیل رهنمودهای دینی قرار می‌گیرد. ایدئولوژی اسلامی عبارت است از راه‌کارهای عملی که زندگی زمینی ما را به عالم قدس و معنویت متصل می‌کند و زندگی را از محدودیت‌های زندگی مادی فراتر می‌برد. به گفته‌ی مولوی: «آن جهان و راهش از پیدا بُدی ... کم کسی یک لحظه‌ای این‌جا بُدی» و لذا اگر راه ملکوت را در مقابل بشر باز نمائیم در عین زندگی در زمان حضور، خود را در محدوده‌ی دنیا متوقف نمی‌کند و با این دیدگاه زندگی دیگری را اراده می‌کند، آن نوع زندگی که همه‌ی اطرافش متذکر عالم ملکوت است.

موفق باشید